

اظهارات غیرمسئولانه ممنوع!

یکشنبه ۲۰ دی ۱۴۰۳ | ۱۸ رجب ۱۴۴۴ | ۱۹ آذرماه ۲۰۲۳ | سال هفدهم | شماره ۸۳۳۴ | صفحه ۵۰۰ | تومان

وطن امروز

این سینمای روشنفکری!

یکشنبه ۲۰ دی ۱۴۰۳ | ۱۸ رجب ۱۴۴۴ | ۱۹ آذرماه ۲۰۲۳ | سال هفدهم | شماره ۸۳۳۴ | صفحه ۵۰۰ | تومان

تیتراژ امروز



قاضی رازینی و قاضی مقیسه پس از سال‌ها خدمت صادقانه صبح دپروز در یک عملیات تروریستی به شهادت رسیدند

شلیک به عدالت

پیام تسلیت رهبر انقلاب در پی شهادت ۲ قاضی برجسته

رسانه‌های عبری از جایگزینی آوی دیختر به جای بن گویر خبر دادند

مخمسه نتایهاو

نقش محوری عراق در تحقق سیاست فشار حداکثری ترامپ

خواب ترامپ برای عراق

«وطن امروز» از حاشیه‌ها و لایه‌ها در واگذاری سهام دولتی خودروسازان گزارش می‌دهد

بازی مافیا در واگذاری

روایتی انتقادی از تأثیرات جنگ بر جامعه آمریکا

ما جنگیدیم اما برای چه!؟

نگاه علی کلاندر فولی

کتاب «سرزمین مادری: جنگ با تروریسم در زندگی آمریکایی» نوشته ریچارد بک که سپتامبر ۲۰۲۴ منتشر شد، روایتی جامع، تفصیلی و شاد انتقادی از تأثیرات ویرانگر جنگ علیه به اصلاح تروریسم در ایالات متحده آمریکا ارائه می‌دهد. این اثر با تمرکز بر روندی که از لحظات پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد و ظاهر قرار بود با هدف «محافظت از امنیت ملی» انجام شود، استدلال می‌کند این جنگ در عمل بهانه‌ای شد برای گسترش یک امپراتوری ترس و نظامی‌گری که نه تنها مردم سایر کشورها، بلکه شهروندان آمریکایی را نیز در معرض آسیب قرار داده است. بک به عنوان کسی که در سن نوجوانی شاهد فروپاشی برج‌های دوقلو و پیامدهای بعدی آن بود، تلاش کرده تصویری چندلایه از این رویدادها و تأثیرات آن بر نسل‌های متفاوت آمریکا ارائه کند. آنچه در ادامه می‌خوانید، گزارشی تحلیلی از مهم‌ترین محورهای مطرح شده در کتاب است که بدون مسامحه، سیاست‌ها و ایدئولوژی آمریکا را در این جنگ به نقد می‌کشد.

نقطه عطفی به نام ۱۱ سپتامبر: بنیانی برای گسترش خشونت

بک در مقدمه کتاب، ۱۱ سپتامبر را نه صرفاً یک فاجعه تروریستی، بلکه لحظه‌ای محوری در تاریخ معاصر آمریکا توصیف می‌کند. او می‌گوید ایالات متحده به جای آنکه از این رویداد به عنوان فرصتی برای بازاندیشی در سیاست‌های بین‌المللی خود استفاده کند، این حادثه را بهانه‌ای کرد برای توجیه جنگ‌های پیش‌دستانه، اشغال نظامی کشورهای خاورمیانه، ایجاد ساختارهای گسترده نظارتی داخلی و در نهایت، تثبیت اقتدار هر چه بیشتر در عرصه جهانی. او تأکید می‌کند دولت بوش پسر، با استفاده از زبان احساسی و بهره‌گیری از تصاویر وحشت‌زای فروپاشی برج‌ها، افکار عمومی را به سمتی سوق داد که هر گونه صدای مخالف را خیانت به کشور می‌پنداشت. در فضایی که «وطن پرستی» مترادف با پذیرش بی‌چون و چرای سیاست‌های دولت شده بود، زمینه برای هر نوع سانسور، جوسازی علیه اقلیت‌ها و اتهام‌زنی به منتقدان مهیا شد. او مواردی مانند حذف تدریجی مخالفان از عرصه رسانه‌ها یا به حاشیه راندن هنرمندان و روشنفکرانی که علیه این جنگ موضع گرفتند (نظیر اعضای گروه موسیقی دیسکی چیکس یا سوزان سانتاگ) را مثال می‌زند تا نشان دهد چگونه فضای رسانه‌ای و آزادی بیان در آن بازه زمانی محدود شد.

ادامه در صفحه ۷

«وطن امروز» از مهم‌ترین مفاد توافقنامه جامع راهبردی ایران و روسیه گزارش می‌دهد

معااهده دوران ساز

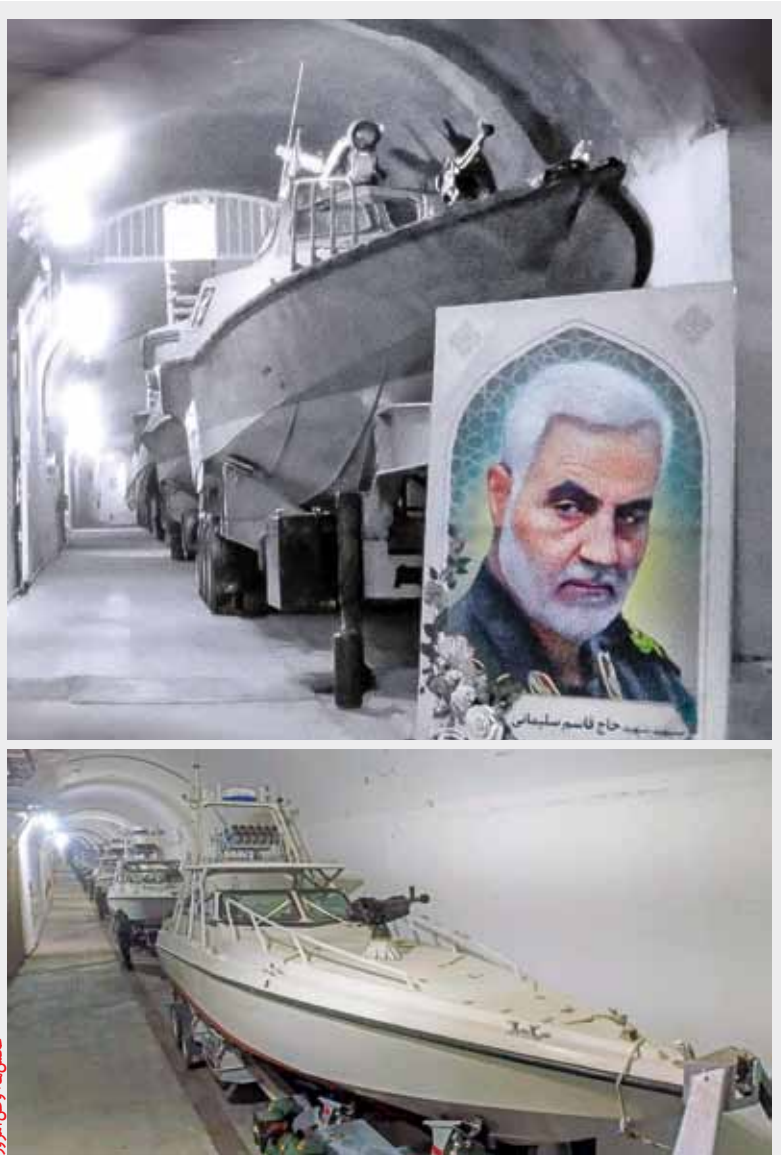
برای اولین بار در تاریخ مناسبات ۲ کشور حق ایران برای بازیگری در حوزه‌های نفوذ جغرافیایی پیرامون روسیه اعمال می‌شود

گروه بین‌الملل: معااهده جدید همکاری راهبردی تهران-مسکو، یک تحول مهم در رویکردهای چندقطبی‌گرایی جهانی محسوب می‌شود و این از واکنش غرب و صهیونیست‌ها پیداست. این معااهده فراتر از ۲۰ ساله در حقیقت نسخه به روز شده «مواقفنامه اساس روابط متقابل و اصول همکاری بین جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه» است که ۲۴ سال پیش امضا شد. اهمیت آن مواظفنامه از آن جهت بود که برای نخستین بار پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، نظام برآمده از آن با یک قدرت جهانی معاهده‌های جامع و دارای ظرفیت‌های راهبردی امضا می‌کرد، آن هم از موضعی کاملاً برابر. پیش از آن آخرین معاهده جامع میان حاکمان تهران و مسکو، سال ۱۲۹۹ تحت عنوان «قرارداد ایران و شوروی ۱۹۲۱» میان رژیم کودتای رضاخان میرپنج و نخستین دولت برآمده از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه به رهبری ولادیمیر لنین امضا شده بود؛ نسخه‌ای که اگرچه در مقایسه با معاهدات قبلی ایران و روسیه در دوره قاجار، موضع قدرت همسایه بزرگ شمالی کم‌رنگ‌تر شده بود ولی باز هم عزتمندانه نبود. علیقلی خان مشاور الممالک، وزیر امور خارجه قاجار در کنفرانس صلح پاریس ۱۹۲۰-۱۹۱۹ که در حقیقت نخستین نشست جامعه ملل و مبنای اصلی تشکیل سازمان ملل در دهه‌های بعدی بود، در تنظیم متن «قرارداد ایران و شوروی ۱۹۲۱» مشارکتی فعال داشت ولی از آنجا که توافق بر سر متن نهایی پس از کودتای اسفند ۱۲۹۹ انجام شد، نفوذ عوامل انگلیسی که با شوروی دشمنی داشتند در کابینه جدید سردار سپه، باعث شد بسیاری از بندهای آن قرارداد با هدف اختلاف‌افکنی بین ۲ کشور در سال‌های بعد، مورد اصلاح جدی قرار گرفته و اصطلاحاً مین گذاری شود. در عین حال شوروی در آن معاهده، تا حدی نقش خود به عنوان میراث‌دار روسیه تزاری را که یک قدرت استعماری بود حفظ کرد و موضع قدرت در این زمینه را نشانی آن، بلکه تا روز آخر رژیم پهلوی، در اجرای آن نیز حفظ کرد. از جمله در نحوه تقسیم نابرابر دریای کاسپین (خزر) همچنین گنجانند بند مبهم «حق دخالت طرفین در خاک طرف مقابل در صورت مورد هجوم قرار گرفتن توسط طرف ثالث»؛ بندی که مشخص بود، طرف دارای قدرت نظامی قوی‌تر در آن، دست بالا را دارد و به موجب همان بود که قوای شوروی با آغاز جنگ دوم جهانی در شهریور ۱۳۲۰ بهانه یافتند خاک ایران را اشغال کنند. در مقام مقایسه، «مواقفنامه اساس روابط متقابل و اصول همکاری بین جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه» در سال ۱۳۷۹، از موضعی عزتمندانه به امضای طرفین رسید و حقوق کاملاً

وزیر امور خارجه قاجار در کنفرانس صلح پاریس ۱۹۲۰-۱۹۱۹ که در حقیقت نخستین نشست جامعه ملل و مبنای اصلی تشکیل سازمان ملل در دهه‌های بعدی بود، در تنظیم متن «قرارداد ایران و شوروی ۱۹۲۱» مشارکتی فعال داشت ولی از آنجا که توافق بر سر متن نهایی پس از کودتای اسفند ۱۲۹۹ انجام شد، نفوذ عوامل انگلیسی که با شوروی دشمنی داشتند در کابینه جدید سردار سپه، باعث شد بسیاری از بندهای آن قرارداد با هدف اختلاف‌افکنی بین ۲ کشور در سال‌های بعد، مورد اصلاح جدی قرار گرفته و اصطلاحاً مین گذاری شود. در عین حال شوروی در آن معاهده، تا حدی نقش خود به عنوان میراث‌دار روسیه تزاری را که یک قدرت استعماری بود حفظ کرد و موضع قدرت در این زمینه را نشانی آن، بلکه تا روز آخر رژیم پهلوی، در اجرای آن نیز حفظ کرد. از جمله در نحوه تقسیم نابرابر دریای کاسپین (خزر) همچنین گنجانند بند مبهم «حق دخالت طرفین در خاک طرف مقابل در صورت مورد هجوم قرار گرفتن توسط طرف ثالث»؛ بندی که مشخص بود، طرف دارای قدرت نظامی قوی‌تر در آن، دست بالا را دارد و به موجب همان بود که قوای شوروی با آغاز جنگ دوم جهانی در شهریور ۱۳۲۰ بهانه یافتند خاک ایران را اشغال کنند. در مقام مقایسه، «مواقفنامه اساس روابط متقابل و اصول همکاری بین جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه» در سال ۱۳۷۹، از موضعی عزتمندانه به امضای طرفین رسید و حقوق کاملاً

حاکم بر ایران را در زمینه بازیگری در حوزه‌های نفوذ جغرافیایی پیرامون خود به رسمیت می‌شناسد. به گفته تحلیلگران کمال یک روسیه، در بند مزبور ۴ حوزه برای همکاری و همراهی تهران و مسکو تعریف شده است: دریای کاسپین، مالورای قفقاز، آسیای مرکزی و آسیای غربی (خاورمیانه). بدین ترتیب، کرملین برای نخستین بار پس از فروپاشی شوروی، تهدیداتی را که از ناحیه فدراسیون پیشین اتحادیه جماهیر شوروی که امروز در ادبیات سیاسی روس «خارج نزدیک آسیای» خوانده می‌شود وجود دارد، به رسمیت می‌شناسد و از جمهوری اسلامی به عنوان مهم‌ترین شریک راهبردی خود که در این جغرافیا قرار گرفته، درخواست همکاری می‌کند. فرهاد ابراهیموف، کارشناس خاورمیانه در باشگاه آمجمع اقتصادی و آلدای مستقر در مسکو، روز جمعه به شبکه آر تی روسیه گفت: «مسکو و تهران همکاری خود را با یک پیمان واقعاً دوران‌ساز» به سطح مشارکت راهبردی رسانده‌اند. ۲ کشور عضو بریکس بلاس هستند، یکدیگر را به عنوان شرکای راهبردی کلیدی و حتی گاهی متحدانی می‌بینند که دیدگاه‌های مشابهی دارند.

ادامه در صفحه ۸



رونمایی سرلشکر سلامی از پایگاه زیرزمینی نیروی دریایی سپاه

سورپرایز جنوب

توافق ایران - روسیه و مسأله غرب

شدت بیشتری نیز یافته و مکرراً با سفرهای مقامات ۲ کشور همراه بوده است، می‌توان به آینده مثبت روابط ۲ کشور چشم داشت؟ برای پاسخ دادن به این سوال باید به عناصر موثر در روابط ۲ کشور اشاره کرد. روابط ۲ کشور در ۱۵ سال گذشته در تمام سطوح افزایش یافته است؛ هم در سطح اقتصادی، هم سیاسی، هم بالاتر و مسائل و مناسبات مختلف ۲ کشور قرار دارد. در روابط بین کشورها، به سبب اهمیت، روابط اقتصادی در ابتدای مسیر قرار می‌گیرد. بعد از اینکه دولت‌ها توانستند سطوح کارکردی و فنی و اقتصادی روابط فی‌مابین را تحکیم کنند، سراغ روابط سیاسی می‌روند و مرادفات دیپلماتیک را تسریع می‌بخشند. بعد از آن با ایجاد هماهنگی‌های سیاسی، روابط را به حوزه امنیتی و نظامی تسری می‌دهند؛ روابط امنیتی بین دولت‌ها بالاترین سطح روابط بین المللی مورد تأکید ویژه قرار گرفت. شاید بالاترین سطح روابط بین ۲ کشور را باید روابط در حوزه امنیتی -نظامی قلمداد کرد. ۲ کشور در پروژه‌هایی شبیه صنعت هسته‌ای ایران، پروژه کمک‌های نظامی ایران به روسیه، پروژه مبادلات نظامی بین ۲ طرف، پروژه سوریه، پروژه غرب آسیا، پروژه اروپای شرقی، پروژه گسترش ناتو، پروژه انقلاب‌های رنگی در اروپای شرقی و رژیم‌های دست‌نشانده غرب و... با هم روابط گسترده‌ای داشته‌اند. البته به سبب مسائل امنیتی و استراتژیک، آمار دقیقی از سطح روابط نظامی بین ۲ طرف وجود ندارد اما آنچه مشخص است اینکه روابط ۲ کشور در این ۲ بعد بسیار خیره‌کننده بوده است اما اینکه چرا روابط ۲ کشور در سطوح امنیتی-نظامی تا این اندازه بالاست.

دیدگاه رضا رحمتی *
بالاخره سند توافق جامع ۲۰ ساله ایران - روسیه بعد از ۴ سال بحث و تردید، در سفر اخیر رئیس‌جمهور ایران به روسیه به امضا رسید؛ سندی که تحت تأثیر مسائل و مناسبات مختلف ۲ کشور قرار دارد. در روابط بین کشورها، به سبب اهمیت، روابط اقتصادی در ابتدای مسیر قرار می‌گیرد. بعد از اینکه دولت‌ها توانستند سطوح کارکردی و فنی و اقتصادی روابط فی‌مابین را تحکیم کنند، سراغ روابط سیاسی می‌روند و مرادفات دیپلماتیک را تسریع می‌بخشند. بعد از آن با ایجاد هماهنگی‌های سیاسی، روابط را به حوزه امنیتی و نظامی تسری می‌دهند؛ روابط امنیتی بین دولت‌ها بالاترین سطح روابط بین المللی مورد تأکید ویژه قرار گرفت. شاید بالاترین سطح روابط بین ۲ کشور را باید روابط در حوزه امنیتی -نظامی قلمداد کرد. ۲ کشور در پروژه‌هایی شبیه صنعت هسته‌ای ایران، پروژه کمک‌های نظامی ایران به روسیه، پروژه مبادلات نظامی بین ۲ طرف، پروژه سوریه، پروژه غرب آسیا، پروژه اروپای شرقی، پروژه گسترش ناتو، پروژه انقلاب‌های رنگی در اروپای شرقی و رژیم‌های دست‌نشانده غرب و... با هم روابط گسترده‌ای داشته‌اند. البته به سبب مسائل امنیتی و استراتژیک، آمار دقیقی از سطح روابط نظامی بین ۲ طرف وجود ندارد اما آنچه مشخص است اینکه روابط ۲ کشور در این ۲ بعد بسیار خیره‌کننده بوده است اما اینکه چرا روابط ۲ کشور در سطوح امنیتی-نظامی تا این اندازه بالاست.

ادامه در صفحه ۸

درباره ترور در دیوان عالی کشور

رویکر رویبو و سفیدشویی خشونت

یادداشت روز محمد رستمپور

«نظم پسا جنگ دوم جهانی، نه تنها از بین رفته است، بلکه یک سلاح است که علیه خود ما به کار گرفته می‌شود. نسل کنونی، یعنی تمام کسانی که اکنون در این اتاق قرار دارند، با بزرگ‌ترین تهدید یعنی بی‌ثباتی ژئوپلیتیک به عنوان یک بحران جهانی مواجهند. ۸ دهه پس از آن جنگ، ما باید نظم نوینی خلق کنیم که قطعاً آسان نخواهد بود». این جملات مارک رویبو است در جلسه استماع در کمیته روابط خارجی مجلس سنای آمریکا، در مقام وزیر خارجه پیشنهادی دولت دوم ترامپ. رویبو، ایرانی، روسیه و کره‌شمالی را ۲ تهدید جدی ایالات متحده آمریکا می‌داند در بازپس‌گیری یا بازآرایش نظم امنیتی جدیدی که قرار است ترامپ ۲۰۲۵ آن را ترسیم و تأسیس کند. همچنان که رویبو و کاندیداهای دیگر نهادها و وزارتخانه‌های امنیتی ایالات متحده اعتقاد دارند، آمریکا با ۴ سال پیش تفاوت‌های جدی کرده و حداقل در ۲ پرونده جنگ اوکراین و جنگ غزه در متغیرهای پرشماری نتوانسته است توازن کلاسیک قوا را میان طرفین توزیع کند. آمریکای امروز از نظر آنان از نظم تک‌قطبی فاصله معناداری یافته و از این نظر است که رویبو به مداخله تهاجمی‌تر برای حل و فصل پرونده‌های پیچیده توصیه می‌کند. راهسکار رویبو و دوستانتش برای مزاحمان طراحی جدید بویژه ایران، در اجزا جدید نیست اما در ترکیب، نوین است. رویبو نخستین چهره سیاسی ایالات متحده آمریکا نیست که تفکیک دولت و ملت، سیاست و اجتماع یا به تعبیر خودش «حاکمیت شیعه افراطی و مردم متصدن» را به صراحت به زبان می‌آورد.

ادامه در صفحه ۲

شو ۲۰۲۴ مکررون مثل ۲۰۲۰

یادداشت محمدعلی حسن‌نیا

امانفول مکررون، رئیس‌جمهور فرانسه بعد از ۴ سال که از آخرین سفرش به بیروت می‌گذرد دوباره وارد لبنان شد. او که سال ۲۰۲۰ بعد از انفجار مهیب بندر بیروت به این کشور آمده بود، این بار به کاخ بعدا رفت و با سران سیاسی لبنان دیدار و گفت‌وگو کرد. زمان سفر مکررون به لبنان بسیار حائز اهمیت است، رئیس‌جمهور فرانسه بلافاصله بعد از انتخاب رئیس‌جمهور همچنین تعیین نخست‌وزیر جدید به بیروت رفت تا به برخی کشورهای غربی و عربی نشان دهد پاریس کماکان به عنوان قدرت سنتی در لبنان حضور خواهد داشت. برخی فرانسه را به عنوان مادر مهربان در سوریه به یاد می‌شناسند. مکررون از سال‌های قبل سعی کرده دوران سیاه استعماری پاریس در کشورهای مستعمره مثل لبنان، سوریه و الجزایر را کمی تلطیف کند. به همین علت مکررون این زمان را برای سفر به بیروت انتخاب کرد تا چند هدف را به پیش ببرد. این سفر یک روزه بود و مکررون با جوزف عون، نواف سلام، نخست‌وزیر معین و نبیه بری، رئیس مجلس دیدار کرد و بعد به بعدا رفت و دفترچه یادداشت ریاست‌جمهوری را هم امضا کرد. مکررون با تمرکز بر حمایت از حاکمیت لبنان و تضمین وحدت و شکوفایی لبنان با به بیروت گذاشت اما قصد او این است روند انتخاب دولت جدید را تسریع و دلخوری شیعیان بویژه جنبش امل و بری را هم برطرف کند. همچنین این دیدار در بحبوحه اختلافات سیاسی در لبنان و پس از آن انجام شد که جنبش امل و حزب‌الله رایزنی‌ها را دولت جدید به ریاست نواف سلام را تحریم کردند. در این زمینه، فرانسه تماس‌های خود را با رهبران لبنان تشدید کرده از جمله تماس مکررون با رئیس مجلس نمایندگان قبل از سفرش به منظور کاهش تنش و ترغیب همه طرف‌ها به مشارکت در تلاش‌ها برای بازسازی دولت. سفر مکررون چند دلیل مهم دیگر هم دارد: حمایت از توافق آتش‌بس، تسریع در تشکیل دولتی به ریاست نواف سلام، تأکید بر اجرای آتش‌بس در جنوب و عقب‌نشینی اسرائیل از لبنان که برای دلگرمی مردم این کشور بود و زمینه‌سازی برگزاری کنفرانس بین‌المللی با هدف بازسازی جنوب و ورود کشورهای غربی و عربی به لبنان. شاید مهم‌ترین هدف رئیس‌جمهور فرانسه از سفر به بیروت تأکید بر حمایت از دولت نواف سلام است. او همچنین رابطه بسیار خوبی با بری دارد و احتمالاً می‌خواهد با پادرمیانی رئیس مجلس لبنان، گروه‌های شیعه را به حضور در دولت قانع کند.

ادامه در صفحه ۶

تلفن سازمانی نکسفون
راه حل ارتباطی سازمان شما

www.nexfon.ir
021 92 00 00 00